

مسئولیت مدنی بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه با مطالعه تطبیقی در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲-۱۳۷۰

(نقد و بررسی دادنامه شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۶۶۳۳۰۰۶۱۴)

شعبه دوم دادگاه عمومی شهرستان دلفان)

سیامک ره پیک^۱

مجید عزیز یانی^۲

چکیده

یکی از وظایف دولت، پرداخت دیه در مواردی است که به دلایل مختلف، قاتل شناسایی نشده یا پس از شناسایی، متواری شده است و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد. همچنین هر گاه قتل در شرایط، زمان و مکان خاص اتفاق افتد علاوه بر اصل دیه، یک سوم به دیه کامل افزوده می‌شود که به آن «تغلیظ دیه» می‌گویند. در مواردی که بیت‌المال مسئولیت پرداخت اصل دیه را بر عهده دارد و قتل هم در ماه‌های حرام یا در حرم مکه معظمه اتفاق افتاده است و شرایط تغلیظ وجود دارد بیت‌المال مسئول پرداخت دیه مغلظه است. در زمان حاکمیت ماده ۲۹۹ قانون سابق مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، قانون گذار بدون اشاره به مسئول پرداخت دیه مغلظه، به صورت مطلق، قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه معظمه را واجد شرایط تغلیظ دانسته و امر به پرداخت دیه اصلی و مغلظه کرده بود. در رأی مورد نقد در این مقاله، بدون در نظر گرفتن اطلاق ماده، حکم به عدم مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه صادر شده است. خوشبختانه با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در ذیل ماده ۵۵۶ قانون فوق‌الذکر به صراحت بیت‌المال، مسئول پرداخت دیه مغلظه دانسته شده است. به نظر می‌رسد از بررسی مجموع روایات و نظرات فقها، در مواردی که بیت‌المال به جانشینی، مسئولیت پرداخت دیه را بر عهده دارد و قتل واجد شرایط تغلیظ باشد، لازم است بیت‌المال دیه را به صورت تغلیظ شده پرداخت کند. روایات از جهت مسئول پرداخت کننده دیه اصلی و مغلظه اطلاق دارد و عدم پرداخت دیه مغلظه از سوی بیت‌المال به نوعی به معنای هدر رفتن بخشی از خون مسلمانان است زیرا دیه مغلظه حق اولیای دم بوده و باید پرداخت شود. مسئولیت بیت‌المال و دولت در حفظ امنیت، جان اشخاص، رعایت عدالت و هدرنرفتن خون مسلمان اقتضای پرداخت دیه مغلظه را دارد.

واژگان کلیدی: بیت‌المال، تغلیظ، دیه، مسئولیت، دیه مغلظه

Email: Srahpeik@gmail.com

۱. نویسنده‌ی مسئول - استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

Email: majid Aziziyani@Gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه عدالت تهران.

تغلیظ در لغت به معنای تشدید و سخت گردانیدن است و دیه در لغت به معنای خونبها^۳ است و در اصطلاح قانونی «دیه مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

از نظر فقه اسلامی برخی زمان و مکان‌ها حرمت خاصی دارند که ارتکاب جنایت در این ازمنه و امکانه موجب افزایش و تغلیظ دیه می‌شود. لذا ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی جدید اشعارمیدارد: «هر گاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه» یا در محدوده‌ی حرم، واقع شود خواه جنایت عمدی، خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم نیز افزوده می‌گردد سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک شمول حکم تغلیظ دیه نیست». به طور معمول، خود اشخاص، مسئول جبران زیان‌های وارده به دیگران هستند و هدف مسئولیت مدنی جبران ضرر زیان دیده است^۴ و اصل شخصی بودن مسئولیت، چنین اقتضایی دارد. اما این اصل استثنائاتی دارد. از جمله استثنائات آن است که قاتل پس از ارتکاب قتل، فرار کرده باشد یا اینکه هر گاه مسلمانی را کشته بیابد و قرائن ظنی برای قاضی نسبت به قتل او توسط شخص یا اشخاص معین وجود نداشته باشد و از موارد لوث هم نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این موارد شارع مقدس برای جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمان، اقدام به پرداخت دیه می‌کند. تا قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مواردی که بیت‌المال پرداخت کننده دیه بوده و شرایط تغلیظ دیه نیز وجود داشت اختلاف نظرهایی بین قضات محاکم و حقوق دانان وجود داشت وعده ای بیت‌المال را مسئول پرداخت دیه مغلظه نمی‌دانستند. رأی مورد بررسی در این مقاله براساس نظر اخیر صادر شده که در ادامه به ارزیابی ادله و نقد و بررسی دلایل آن‌ها خواهیم پرداخت. این اختلاف نظرها با توجه به سکوت ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق درمورد شخص مسئول پرداخت دیه مغلظه بوجود آمده بودو باعث ایجاد رویه ای متفاوت و متناقض شده بود. چرا که حتی با وجود اطلاق قانون سابق، محاکم با استناد به جنبه تشدید دیه برای موضوع تغلیظ دیه، حکم به عدم پرداخت دیه مغلظه توسط بیت المال را صادر می‌کردند. این دیدگاه قابل نقد به نظر می‌رسد زیرا اطلاق قانون سابق، به تنهایی به عنوان دلیل فقهی برای پذیرش مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه مغلظه است. از سوی دیگر شارع مقدس نیز امر به پرداخت دیه اصلی و مغلظه نموده بدون اینکه به شخص پرداخت کننده اشاره‌ای کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایه جامع علوم انسانی

انتقاد از سهل انگاری در صدور رأی وحدت رویه

مناسب بود قانون‌گذار زودتر اقدام به اصلاح قانون و تعیین تکلیف در خصوص مسئولیت یا عدم مسئولیت بیت‌المال نسبت به دیه مغلظه می‌نمود چرا که رویه ای متناقض بین محاکم در موضوع یادشده وجود داشت. انتقاد دیگر متوجه عدم صدور رأی وحدت رویه در این موضوع است. در طول سال‌های حاکمیت ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^۵ تلاشی برای ایجاد رویه ای واحد و یکسان صورت نگرفت در حالی که از هر جهت مقتضای صدور رأی وحدت رویه وجود داشت چرا که به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ص ۱۱۸۱

۱. ره پیک، حسن، (۱۳۹۲). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها (ویرایش جدید)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ بیست یکم، ص ۲۶

۱. «دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، محرم، ذیقعدة، ذیحجه) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد شش‌گانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود»

کیفری، صدور آرای متفاوت از سوی دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه با استنباط از قوانین، از موجبات صدور رأی وحدت رویه است. به نظر می‌رسد روشی که هم اکنون در خصوص نحوه جمع آوری و طرح موضوعات اختلافی بین محاکم در هیئت عمومی دیوان عالی وجود دارد، ناکارآمد است. در موضوع یادشده (مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه) آرای کاملاً متفاوتی صادر شده بود.^۷ در نهایت قانون‌گذار، در پی ضرورت‌های اجتماعی و به دلیل مسئولیت دولت در حفظ نظم، امنیت، جلوگیری از فرار متهمان، رعایت و اجرای عدالت دست به کار بزرگی زد و در ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بین شخص پرداخت کننده دیه مغلظه، تفاوتی قائل نشد و به صراحت مسئولیت بیت‌المال را در پرداخت دیه مغلظه مورد اشاره قرار داده است: «تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت کننده دیه باشد نیز جاری است»

بررسی رأی دادگاه

شرح ما وقع

در خصوص مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه در موردی که قاتل شناسایی نشده و یا پس از شناسایی، متواری شده و قتل در ماه حرام اتفاق افتاده در شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ... طرح دعوی شده و بدین صورت که در مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۰۳ فردی که از عشایر کوچ رو و مشغول نگهداری و مراقبت از گله گوسفندان و احشام بوده توسط افرادی ناشناس که به قصد سرقت گوسفندان وارد منطقه شخصی مقتول شده بودند، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به قتل می‌رسد که گلوله به ناحیه‌ی سر (پیشانی) برخورد نموده و طبق نظریه پزشکی قانونی علت فوت، تخریب بافت مغز و خرد شدن جمجمه بر اثر اصابت گلوله می‌باشد. موضوع تحت پیگرد و بررسی در شعبه کیفری قرار می‌گیرد و بر اساس محتویات پرونده و نظریه پزشکی قانونی قتل ثابت شده ولی به دلیل متواری شدن سارقان و عدم شناسایی آنها شخص خاصی به قصاص یا دیه محکوم نشده. اما اولیای دم مقتول بر اساس ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ «هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قراین ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت‌المال بدهد» و اینکه دو مورد ذکر شده در ماده به صورت تمثیلی می‌باشد تقاضای مطالبه دیه از بیت‌المال و تغلیظ دیه به لحاظ وقوع قتل در ماه حرام (محرم) نموده‌اند و بر این اساس اقدام به طرح دعوی و تقدیم دادخواست به شعبه حقوقی به لحاظ مسئولیت بیت‌المال

- ۱- «هرگاه در شعب دیوانعالی کشور و یا هر یک از دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی و کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین، آرای متفاوتی صادر شود رییس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوانعالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند»
- ۲- به یک نمونه رای از دادگاه بدوی که مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه را پذیرفته و کاملاً در تعارض با رای مورد بررسی در این مقاله است توجه فرمایید:

شماره دادنامه ۲۸۶

پرونده کلاسه: ۱۹۱۳

بتاریخ ۹۲/۴/۱۵

خواسته: پرداخت دیه از بیت‌المال

در خصوص شکایت اولیاء دم متوفی مرحوم... فرزند... علیه راننده ناشناس متواری دادر بر بی احتیاطی در امر رانندگی منتهی به قتل غیر عمدی دادگاه با توجه به مجموع محتویات پرونده از جمله شکایت اولیاء دم متوفی، گواهی پزشکی قانونی، گواهی فوت، نظریه افسر کارشناس تصادفات، فراری بودن راننده مقصر، دادگاه با توجه به ضرورت استفاده اولیاء دم از بیت‌المال در راستای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری، صندوق تامین خسارتهای بدنی را محکوم به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان بعلاوه یک سوم دیه کامل بعنوان تشدید دیه با عنایت به اینکه صدمه و فوت در ماه حرام بوده است در حق اولیاء دم می‌نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان می‌باشد.

در پرداخت دیه مغلظه کرده و شعبه رسیدگی کننده با توجه به محتویات پرونده و مستندات آن، مسئولیت بیت‌المال را در خصوص پرداخت دیه اصلی پذیرفته اما نسبت به خواسته دوم که لحاظ کردن تغلیظ دیه می‌باشد حکم به بی حقی خواهان صادر نموده و دعوی را وارد ندانسته بود.

رأی دادگاه

در خصوص دادخواست اولیای دم مرحوم... به طرفیت وزارت دادگستری به نمایندگی از بیت‌المال به خواسته یک فقره دیه کامل مرد مسلمان که وکیل خواهان در جلسه اول دادرسی خواسته موکل را افزایش و مطالبه تغلیظ و تشدید دیه به میزان یک سوم به لحاظ وقوع قتل در ماه حرام را نیز خواستار شده است.

دادگاه با عنایت به جامع اوراق و محتویات پرونده و تصویر مدارک مضبوط در پرونده، دادخواست تقدیمی و اظهارات وکیل خواهان‌ها و با توجه به روگرفت مصدق گواهی حصر وراثت به شماره ۹۱۰۹۹۷۶۷۲۲۰۰۳۲۵ صادره از شعبه هفتم شورای حل اختلاف شهرستان که سمت خواهان‌ها به عنوان ورثه مرحوم را ثابت می‌نماید و با التفات به محتویات پرونده مطالبه شده از شعبه ۱۰۱ جزایی این شهرستان به کلاسه ... که گردشکار آن نیز توسط این دادگاه تهیه و تصویر اوراق پرونده مذکور هم ضمیمه شده است و عنایت شارع مقدس بر محترم دانستن خون مسلمان می‌باشد لذا قانون گذار نیز به تبع در مواد متعددی از قانون مجازات جهت جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمانی که به قتل رسیده امر به پرداخت دیه از بیت‌المال نموده است مواد ۵۸، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۲ و نظر مقنن بر اینست که هرگاه مسلمانی را کشته ببیند و قرائن ظنی برای قاضی نسبت به قتل او به شخص یا اشخاص معین وجود نداشته باشد و لوث نیز وجود نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و به صورت تمثیلی دو مورد را در ماده ۲۵۵ نام می‌برد علی‌هذا با توجه به مراتب فوق این دادگاه خواسته خواهان‌ها را وارد و ثابت تشخیص داده و مستنداً به قاعده فقهی (لا یبطل دم امرء مسلم) و (لایهدر دم مسلم) و ماده ۱۹۸ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت وزارت دادگستری به نمایندگی از بیت‌المال مسلمین به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق ورثه مرحوم... صادر و اعلام می‌گردد و در خصوص خواسته‌ی دیگر خواهان مبنی بر مطالبه یک سوم مازاد دیه کامل بابت تشدید و تغلیظ دیه به خاطر وقوع قتل در ماه حرام (محرم‌الحرام) با عنایت به اینکه تغلیظ مجازات که در قانون پیش بینی شده به خاطر اینست که شخص مرتکب جرم، حرمت ماه حرام را شکسته و به خاطر این بی احترامی باید مجازاتش تشدید شود نه در مثل این مورد که بیت‌المال مسوول پرداخت دیه می‌باشد چرا که مرتکب جرم شخص دیگری است که به خاطر عدم شناسایی بیت‌المال، تفضلاً دیه را به اولیای دم پرداخت می‌کند و پرداخت دیه از بیت‌المال استثنا است و مورد استثنا را باید بر قدر متیقن حمل نمود علی‌هذا نظر به سیاق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی تغلیظ دیه متوجه بیت‌المال مسلمین نمی‌گردد و مستنداً به ماده مذکور و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی حقی خواهان صادر و اعلام می‌گردد آرای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می‌باشد.

۱- یکی از استدلال‌های موجود در دادنامه این است که تغلیظ دیه صرفاً نوعی تشدید مجازات دانسته شده است و اعتقاد دارند تغلیظ دیه که در قانون پیش بینی شده است به این دلیل است که شخص مرتکب جرم، حرمت ماه حرام را شکسته و به خاطر این بی احترامی، مجازاتش تشدید شود. ابتدا باید گفت این استدلال قابل خدشه است بدین صورت که از بررسی مجموع روایات موجود در این موضوع هیچ گونه دلیل معتبر و متقنی وجود ندارد که تغلیظ و افزایش دیه به میزان یک سوم را صرفاً جهت تشدید مجازات بداند که باعث شود اطلاق موجود در روایات را مقید کند. لذا اگر تغلیظ دیه برای تشدید مجازات باشد پس نباید آن را در قتل خطایی قابل سرایت دانست چون مرتکب در قتل خطایی هیچ گونه قصدی برای ارتکاب قتل نداشته است. به بیان دیگر در قتل خطایی که نه قصد فعل و نه قصد نتیجه ای وجود دارد تشدید مجازات نمیتواند معنا داشته باشد. امام باقر(ع) در روایتی حکم تغلیظ دیه را در قتل خطایی پذیرفته‌اند: «قال سألته عن رجل قتل رجلاً خطأ في الشهر الحرام: فالتغليظ عليه الدية»؛^۸ و این حدیث، دلیلی بر این است که تغلیظ به معنای صرف تشدید مجازات نیست چون دلیلی وجود ندارد فرد فاقد قصد مجرمانه مشمول تشدید مجازات باشد. حکم تغلیظ دیه برای افرادی است که در ماه حرام مرتکب قتل شده‌اند و این دلیلی نیست که بتوان آن را بر جنبه تشدید مجازات حمل نمود؛ و این طور باید گفت که تغلیظ دیه نوعی تشدید خود دیه است نه تشدید مجازات و بیت‌المال اگر بخواهد دیه را پرداخت کند باید یک سوم را هم بپردازد. نکته دیگر این است که دیه به معنای صرف مجازات نیست و ماهیتی خاص و دوگانه دارد بلکه جنبه جبران خسارت بودن آن هم قوی است؛ و چنانچه گفته‌اند «به کار برده شدن عبارت تشدید مجازات» در ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق با مسامحه بوده است.^۹

اداره حقوقی قوه قضائیه ابتدا در سال ۱۳۷۶ با تکیه بر قید «تشدید مجازات»، در نظریه مشورتی آورده بود: «ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی که تصریح به تشدید مجازات می‌نماید ظهور دارد به مواردی که پرداخت دیه بر عهده جانی باشد زیرا تشدید مجازات غیر جانی، مثلاً عاقله یا بیت‌المال معنی ندارد».^{۱۰} اما اداره مزبور در آخرین اظهار نظر در سال ۱۳۸۳ از نظر قبلی خود کاملاً عدول کرده و با در نظر گرفتن این موضوع که پذیرش مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه ناشی از ضرورت‌های اجتماعی و به خاطر مسئولیت دولت در حفظ جان و خون مردم و جلوگیری از هدر رفتن آن و اجرای عدالت بوده و چنین نظر داد: «تغلیظ دیه شامل مواردی هم که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود خواهد بود»^{۱۱}

البته اداره حقوقی قوه قضائیه در سال ۱۳۸۲ بار دیگر از نظر اولی خود عدول کرده و بر مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه نظر داده بود: «در مواردی که قانوناً باید دیه تغلیظ شود، مسئول پرداخت دیه هر که باشد اعم از قاتل و عاقله و بیت‌المال، باید دیه مغلظه را به اولیای دم بپردازد»^{۱۲}.

۲- استدلال دیگر موجود در دادنامه استناد به قاعده فقهی «لا یهدر دم المسلم» و «لا یبطل دم امرء مسلم» برای اثبات مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه اصلی، نه دیه مغلظه می‌باشد و اشاره کرده اند شارع مقدس عنایت خاصی به خون مسلمان داشته و از هدر رفتن آن جلوگیری می‌کند. ولی بدون توجه به مفهوم و قلمرو قاعده فوق، مسئولیت در پرداخت دیه مغلظه را رد کرده و فقط قاعده فوق را به عنوان دلیلی برای اثبات دیه اصلی مورد استناد قرار داده است.

۱. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۹، باب ۳، تهران، انتشارات دارالاحیاء، چاپ سوم، ص ۱۵۱

۲. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، چاپ یازدهم، ص ۲۴۷.

۳. فروزش، روح ا...، (۱۳۸۸)، مجموعه نظریات مشورتی جزایی، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ص ۱۷۹.

۱. همان، ص ۱۷۶

۲. همان، ص ۱۷۲

باید گفت که برای اثبات دیه‌ی اصلی مقتول و حرمت خون مسلمان، قاعده «لایهدر» مورد استناد قرار گرفته است و بدون توجه به این موضوع که عدم پرداخت دیه مغلظه توسط بیت‌المال، به معنای هدر بخشی از خون مسلمان است حکم تغلیظ دیه را متوجه بیت‌المال ندانسته اند و این با مفهوم و قلمرو قاعده «لایهدردم المسلم» که از دلایل مهم برای پذیرش دیه اصلی است در تعارض است چرا که دیه مغلظه متعلق به اولیای دم بوده و در هر صورت باید پرداخت شود. یعنی دم مسلم همان دیه است و طبق روایات و قانون، بر میزان دیه در ماه‌های حرام، علاوه بر دیه اصلی یک سوم افزوده می‌شود و اگر ثلث دیه را بیت‌المال پرداخت نکند خون مسلمان به میزان یک سوم به هدر رفته است و همان گونه که شارع مقدس عنایت خاصی به حفظ خون مسلمان داشته و بیت‌المال را در صورت عدم شناسایی قاتل مسئول دانسته به همان اندازه، عنایت خاصی به حفظ بخشی دیگر از خون مسلمان که همان دیه مغلظه است داشته است. به عبارت دیگر استناد به قاعده فقهی «لایهدردم المسلم» برای اثبات دیه کامل مرد مسلمان و عدم جریان قاعده فوق برای پرداخت دیه مغلظه توسط بیت‌المال فاقد محمل فقهی و حقوقی بوده و با حقوق الناس در تعارض است و میزان دلالت قاعده «لایهدر» برای اثبات دیه کامل به همان اندازه است که برای اثبات پرداخت دیه مغلظه می‌باشد و نباید در میزان دلالت قاعده فوق بین دیه اصلی و مغلظه تفاوتی قائل شد.

۳- انتقاد دیگر متوجه این دیدگاه در دادنامه است که بیت‌المال به دلیل عدم شناسایی قاتل، تفضلاً دیه را به اولیای دم پرداخت می‌کند و پرداخت دیه مغلظه، متوجه بیت‌المال نمی‌شود چرا که شخص مرتکب جرم، کسی دیگر است و همان شخص دیه مغلظه را پرداخت می‌کند.

در رد این نظر باید گفت مگر غیر این است که بیت‌المال نماینده شخص در پرداخت دیه است و اگر شخص مرتکب جرم، شناسایی می‌شد مسئولیت پرداخت دیه مغلظه را برعهده داشت و حال که شناسایی نشده بیت‌المال تفضلاً و به مصلحت، جانشین جانی در پرداخت دیه بوده و باید آثار جانشینی در این موضوع که همان تغلیظ دیه است را نیز پذیرا باشد. نفس دیه ای که بر عهده جانی قرار می‌گیرد بر بیت‌المال نیز تعلق خواهد گرفت و در مواردی که بیت‌المال مسئول پرداخت دیه است هیچ تغییری در نوع کیفیت و مقدار دیه صورت نخواهد گرفت و بیت‌المال در این مورد تنها جایگزین قاتل می‌شود. چرا که اگر بیت‌المال دیه اصلی را پرداخت کند - فلسفه این پرداخت هم، محترم دانستن خون مسلمان است - نمی‌تواند بپرسد که خون مسلمان تا این قدر محترم است و آن قدر محترم نیست و هر آنچه که بر قاتل تعلق بگیرد بر جانشین قاتل (بیت‌المال) هم تعلق خواهد گرفت؛ و بیت‌المال در فرض مذکور اختیاری برای تعیین محدوده و مقدار دیه ندارد و در هر صورت خون مسلمان محترم است چه به میزان دیه اصلی باشد چه دیه مغلظه.

۴- استثنای بودن پرداخت دیه از بیت‌المال و اکتفا به قدر متیقن استدلال دیگری است که دادرس محترم برای رد مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه در دادنامه آورده‌اند.

این نظر هم قابل خدشه است زیرا با توجه به وجود روایات در خصوص مسئولیت بیت‌المال و تغلیظ دیه به راحتی می‌توان از اصل شخصی بودن مسئولیت در موضوع یاد شده جدا شد و نتوان به قدر متیقن اکتفا نمود و در موضوع مورد اشاره جایی برای اجرای اصل برائت بیت‌المال از مسئولیت زاید بر دیه اصلی نیست.

به بیانی دیگر اصل برائت بیت‌المال از پرداخت یک سوم مازاد دیه در موضوع یاد شده، پذیرفته نیست زیرا اصل برائت در جایی قابل جریان است که اماره نباشد در حالی که در موضوع فوق‌الذکر در مقابل اصل برائت اماره اطلاق را داریم «الاصل دلیل حیث لا دلیل» و مواردی که دیه تغلیظ می‌شود نسبت به شخص پرداخت کننده اطلاق وجود دارد اعم از اینکه جانی پرداخت کند یا عاقله و یا بیت‌المال. از وحدت ملاک جانشینی بیت

المال در پرداخت دیه میتوان استفاده کرد که معنا ندارد بگوئیم بیت المال ثلث دیه را نپردازد چون جایگزین قاتل است و هرآنچه بر قاتل تعلق گیرد بر بیت المال هم تعلق خواهد گرفت و اگر بخواهیم بگوئیم که بیت المال ثلث دیه را نپردازد این خلاف نص است و برای رد مسئولیت بیت المال نیاز به نص وجود دارد و پرداخت دیه مغلظه از سوی بیت المال به دلیل جانشینی در پرداخت از سوی قاتل، موافق قاعده بوده و برای خروج مسئولیتش باید خلاف آن را ثابت کرد. اگر چه ممکن است هر یک از روایات به تنهایی و به صراحت دلالت بر مقصود نکند اما از بررسی مجموع روایات می‌توان اطمینان یافت که بیت‌المال در پرداخت دیه به صورت تغلیظ شده مسئولیت دارد و این مسئولیت بیت‌المال قدر متیقنی نیست که بتوان به آن اکتفا نمود پس نمی‌توانیم با استناد به استثنا بودن مسئولیت بیت‌المال، اجازه خروج مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه را صادر نماییم.

مستندات روایی و فقهی مسئولیت بیت‌المال در دیه مغلظه

روشن است که تغلیظ دیه و مسئولیت بیت‌المال در پرداخت آن، مسئله‌ای عقلی یا عرفی محض نیست که به تنهایی و بدون استناد به دلایل شرعی آن را ثابت نمود. عمده‌ترین دلیل که در کتب فقهی برای حکم تغلیظ دیه ذکر کرده‌اند وجود روایاتی است که از ائمه اطهار(ع) به ما رسیده است:

۱- محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن کلب الاسدی، قال : سألتُ ابا عبدالم... علیه‌السلام عن الرَّجُلِ یُقْتَلُ فی الشَّهْرِ الحَرَامِ، ما دِیْتُهُ؟ قال: «دِیَةٌ و ثَلَاثٌ»^{۱۳}

کلب اسدی می‌گوید از امام صادق درباره مردی که در ماه حرام کشته می‌شود و در مورد میزان دیه‌ی آن اختلاف نظر وجود دارد پرسیدم که دیه‌اش چیست؟ حضرت فرمود: یک دیه به علاوه یک سوم دیه آن شخص می‌باشد. این روایت از حیث دلالت پسندیده و مقبول است و در بیشتر کتب فقهی و روایی از جمله کافی و تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده است.^{۱۴} روایت کلب اسدی اطلاق دارد و همان طور که از متن روایت به وضوح قابل استفاده است هیچ‌گونه قیدی برای خارج کردن بیت‌المال برای پرداخت دیه مغلظه وجود ندارد و اطلاق روایت کلب اسدی اقتضادارد که هر گاه شخصی که در ماه حرام یا حرم مکه به قتل رسیده است دیه تغلیظ شود بدون اینکه امام صادق(ع) در خصوص شخص مسئول پرداخت کننده دیه سؤالی کند، به صورت مطلق حکم به پرداخت دیه به همراه یک سوم راصادر نمودند. مرحوم صاحب جواهر در توضیح و شأن روایت کلب از امام صادق در کتاب جواهر الکلام آورده‌اند: «حتی اگر تنها روایت کلب اسدی در خصوص تغلیظ دیه وجود داشت باز هم برای اثبات حکم تغلیظ کفایت می‌کرد»^{۱۵} بنابراین روایت کلب اسدی بدون هیچ‌گونه اشکالی می‌تواند برای اثبات مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه مورد استناد قرار بگیرد.

۲- روایت ابان عثمان از زراره: «قلت لابی جعفر علیه‌السلام رجل قتل فی الحرم؟ قال : رَجُلٌ قتل فی الحرم؟ قال: علیه دیه و ثَلَاثٌ»^{۱۶}. از امام باقر(ع) در خصوص مردی که در حرم به قتل رسیده بود سؤال شده که امام باقر(ع) بدون اشاره به

۱. الحر العاملی، محمد بن الحسن، منبع قبلی، ص ۱۵۶

۲. همان، ص ۱۴۹

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ص ۲۶

۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن، منبع پیشین، ص ۱۵۰

شخص پرداخت کننده به صورت مطلق علاوه بر دیه اصلی، یک سوم دیه را وارد دانستند؛ و از متن این روایت هم به روشنی می‌توان حکم تغلیظ دیه و مسئولیت بیت‌المال را استنتاج نمود.

۳- «و فی روایة زرارة عن ابی جعفر (ع): قال سألته عن رجلاً خطأ فی شهر؛ قال: تُغَلِّظُ علیه الدیه و علیه عتق رقبه او صیام شهرین...»^{۱۷}

در روایت دیگری از امام باقر (ع) در مورد مردی که دیگری را از روی خطا در ماه حرام به قتل رسانده بود سؤال شده بود که امام باقر (ع) جواب دادند: دیه ای که بر عهده پرداخت کننده است تغلیظ می‌شود و همچنین بر اوست که بنده ای را آزاد کند و یا دو ماه متوالی روزه بگیرد.

این روایت هم بدون اشاره به شخص پرداخت کننده به صورت مطلق، قتل در ماه حرام را موجب تغلیظ دیه دانسته است همچنین از این روایت قابل استخراج است که امام باقر (ع) حکم تغلیظ دیه را حتی در قتل خطایی قابل تسری دانسته‌اند و تسری دلیلی که عده‌ای برای عدم مسئولیت بیت‌المال در دیه مغلظه و جنبه تشدید تغلیظ آورده‌اند با این روایت به راحتی رد می‌شود چرا که در قتل خطایی مرتکب قصدی ندارد و این در تایید نظری است که تغلیظ، صرفاً تشدید مجازات نیست.

۴- روایت: «محمد بن الحسن با اسناد عن ابی عمیر عن زرارة قال: قلت لابی جعفر علیه‌السلام رجل قتل فی الحرم؟ قال: علیه دیه و ثلث و یصوم شهرین متتابعین فی اشهر الحرم»^{۱۸}. مفاد این روایت هم به وضوح دلالت بر اطلاق در پرداخت دیه مغلظه از سوی پرداخت کننده را دارد.

مرحوم شیخ طوسی (ره) در خصوص روایاتی که اهل سنت برای تغلیظ دیه بیان کرده‌اند آورده است: «روی عن عمر بن الخطاب أنه قال: من قتل فی الحرم او قتل ذالرحم مُحرم او قتل فی اشهر الحرم فعليه دیه و ثلث»^{۱۹}. شیخ طوسی (ره) در کتاب خلاف به روایتی از عمر بن خطاب اشاره کرده که هر کس دیگری را در حرم به قتل برساند یا یکی از محارم را بکشد یا در ماه‌های حرام دیگری را بکشد دیه کامل و ثلث آن بر او واجب می‌شود. اگرچه ظاهر روایت دلالت به شخص جانی در پرداخت دیه دارد اما با توجه به دلایل و روایات قبلی و از باب جانشینی بیت‌المال، می‌توان حکم مزبور را قابل تسری به بیت‌المال دانست. در بین اهل سنت هم اعتقاد به مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه وجود دارد.

مرحوم حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله که ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق از آن اقتباس شده بود چنین آورده‌اند: «لو ارتكب القتل فی الشهر الحرم: رجب و ذی‌القعدة و ذی‌الحجة و المحرم فعليه الدیه و ثلث من ای الا جناس کان تغلیظاً و کذا لو ارتکبه فی الحرم مکه المعظمه و لا یلحق بها حرم المدینة المنوره و لاسائر المشاهد المشرفه»^{۲۰}. ظاهر این عبارت حضرت امام خمینی (ره) مشابه جمله بالا دلالت بر شخص مرتکب قتل دارادما از مجموع روایات و دلایل ذکر شده و اینکه بیت‌المال بنا به مصالح و حفظ خون مسلمان، جانشین جانی در پرداخت دیه مغلظه می‌شود حکم مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه قابل استنباط است.

مرحوم صاحب جواهر در جواب عده ای که اصل را عدم تغلیظ دیه می‌دانند می‌فرمایند عام بودن عبارت برخی از روایات این اصل را از بین نمی‌برد و فقها به عموم حکم تغلیظ دیه تصریح کرده‌اند و اطلاق به قرینه مقام به معنای عموم است. شهید ثانی نیز در شرح لمعه با توجه به روایات،

۳. همان، ص ۱۵۱

۱. همان، ص ۱۵۰

۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، (۱۳۸۲). الخلاف فی الاحکام، ج ۲، چاپ اول، ص ۳۷۶.

۱. خمینی موسوی، روح ... (۱۳۹۰). تحریر الوسیله (شرح و ترجمه) سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، چاپ سوم، تهران، موسسه انتشارات دارالعلم، ص ۷۴۰.

به صورت مطلق قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه را موجب تغلیظ دیه می‌دانند: «لو قتل فی الشهر الحرام و ... او فی الحرم الشریف المکی زید علیه ثلاث دیه»^{۲۱} گرچه ظاهر مفاد عبارت شهید ثانی هم دلالت بر شخص جانی دارد ولی همان گونه که گفته شد با دلایل قبلی و موضوع جانشینی بیت المال، شبهه رفع می‌شود.

دیدگاه قانون گذار و ارزیابی آن

قانون گذار در ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق با عباراتی شبهه برانگیز در خصوص تغلیظ دیه باعث ایجاد اختلاف نظرهای فراوانی بین محاکم شده بود «دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هردو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه، محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر موارد شش گانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود»

در ماده فوق‌الذکر دو قید آمده است که شاید این تردید را به ذهن آورد تا بیت‌المال را نتوان در پرداخت دیه مغلظه مسئول دانست و آن «تشدید مجازات» و «یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است».

اما با کمی دقت و بررسی ادله فقهی به راحتی می‌توان این تردید را از بین برد و همچنان بیت‌المال را مسئول پرداخت دیه مغلظه دانست. چرا که اولاً وجود عبارت "تشدید مجازات" دلیل بر این نیست که بیت‌المال نسبت به دیه مغلظه مسئولیت نداشته باشد و همان طور که ذکر شد در روایت امام باقر (ع) حتی قتل خطایی مشمول تغلیظ دیه شده بود حالی که در قتل خطایی قصد ارتکاب جرمی وجود ندارد که بخواهیم مجازات جانی را تشدید کنیم و مفاد این حدیث دلالت می‌کند که فلسفه وجود حکم تغلیظ دیه، صرفاً تشدید مجازات نیست. از سوی دیگر متن ماده ۲۹۹ بدون اشاره به شخص پرداخت کننده دیه، حکم تغلیظ را به صورت مطلق بیان کرده است؛ واز وحدت ملاک حدیث امام باقر (ع) درباره قتل خطایی می‌توان به عدم توجه قید تشدید مجازات برای مسئولیت بیت‌المال حکم داد.

ثانیاً: وجود عبارت «یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است» با توجه به این نکته که بیت‌المال به جانشینی از جانی دیه مغلظه را پرداخت می‌کند حل می‌شود زیرا عبارت فوق‌الذکر بدون توجه به شخص پرداخت کننده از اختیار انتخاب کننده در پرداخت دیه سخن گفته است همان طوری که جانی قدرت انتخاب دارد پس جانشین جانی (بیت‌المال) دارای چنین انتخابی است واز وجود این عبارت به هیچ عنوان نمی‌توان حکم به عدم مسئولیت بیت‌المال صادر کرد و بیت‌المال هم مثل جانی قدرت اختیار و انتخاب هر نوع از انواع شیوه پرداخت دیه را دارد. بنابراین روشن است ماده ۲۹۹ قانون سابق، هیچ گونه بیانی در خصوص عدم تسری حکم تغلیظ به بیت‌المال ندارد و در موارد سکوت و عدم بیان قانونگذار با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فقه رجوع می‌کنیم و در فقه از بررسی روایات و نظرات فقها، قول به مسئولیت بیت‌المال برای پرداخت دیه مغلظه قوی تر است.

تحولات مسئولیت بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲. شیروانی، علی، (۱۳۹۱). توجیه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۴، چاپ یازدهم، تهران، موسسه انتشارات دارالعلم، ص ۲۱۰.

پس از اختلاف رویه و نظرهای فراوانی که در موضوع تغلیظ دیه و مسئولیت بیت‌المال مسلمین بین محاکم و حقوق دانان وجود داشت و تلاشی هم برای صدور رأی وحدت رویه صورت نگرفت قانون گذار در پی ضرورت‌های اجتماعی و جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمانان و محترم شمردن آن و به خاطر مسئولیت دولت در حفظ جان افراد و اجرای عدالت اقدام به اصلاح قانون مجازات اسلامی نمود و حکم تغلیظ دیه را به صراحت، در مواردی که بیت‌المال یا عاقله پرداخت کننده دیه باشد جاری دانست. ابتدا در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکم تغلیظ دیه را بیان کرد «هر گاه رفتار مرتکب و فوت مبنی علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی القعدة، ذی الحجه» یا در محدوده حرم مکه واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌گردد» و سپس در ماده ۵۵۶ در خصوص مسئولیت بیت‌المال در دیه مغلظه سخن به میان آورده است «در حکم تغلیظ دیه فرقی میان بالغ و غیر بالغ، زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان نیست. سقط جنین نیز پس از پیدایش روح مشمول حکم تغلیظ است. تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت کننده دیه باشد نیز جاری است». در ماده فوق‌الذکر دیگر از عباراتی مثل «تشدید مجازات» و «یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده» خبری نیست و شبهه ای در این خصوص به وجود نخواهد آمد. بارزترین تحول صورت گرفته در قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیرامون تغلیظ دیه، تصریح به مسئولیت اشخاص غیر از جانی در پرداخت دیه مغلظه است که بیت‌المال و عاقله مشمول آن می‌شوند. چرا که اطلاق روایات، اقتضای چنین حکمی را دارد و دلیلی نداشت که حتی در زمان حاکمیت ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق و علی‌الخصوص اطلاق آن، در مسئولیت بیت‌المال تردید کرد چرا که با رجوع به فقه و منابع معتبر، حکم قضیه روشن می‌شد.

تحول مهم دیگر در قانون جدید تصریح به حکم تغلیظ دیه در جنایات غیر عمدی است. چرا که در ماده ۲۹۹ قانون سابق به صورت مطلق و بدون اشاره به نوع جنایت سخن گفته بود البته همان گونه که در این مقاله ذکر شد روایات متعددی وجود دارد که حکم تغلیظ دیه را در قتل خطایی وارد دانسته بود چرا که فلسفه تغلیظ دیه، صرفاً تشدید مجازات نیست.

نتیجه گیری

از بررسی احادیث و روایات و نظرات فقها و قانون گذار به این نتیجه می‌رسیم که اگر جنایت ارتكابی دارای شرایط تغلیظ باشد بیت‌المال هم مثل جانی و عاقله مسئولیت پرداخت دیه مغلظه را برعهده دارد. و مواد قانونی که پرداخت دیه را از بیت‌المال مورد اشاره داده از جهت شخص پرداخت کننده اطلاق دارد یعنی گفته است دیه از بیت‌المال پرداخت شود حال دیه به هر مقداری که باشد تفاوتی ندارد چرا که دیه حق وراثت است و در صورت مطالبه ورثه باید پرداخت شود چه قاتل پرداخت کننده چه بیت‌المال و حتی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بر اساس اطلاق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق می‌بایست حکم به پرداخت دیه مغلظه توسط بیت‌المال صادر می‌شد چرا که بیت‌المال جانشین فرد جانی در پرداخت دیه است و هر آنچه که بر جانی تعلق می‌گیرد بر بیت‌المال نیز تعلق خواهد گرفت و جایی برای اجرای اصل برائت بیت‌المال در پرداخت دیه مغلظه وجود ندارد و اطلاق قاعده فقهی «لا یهدر دم المسلم» اقتضا دارد که عدم پرداخت دیه مغلظه توسط بیت‌المال به معنای هدر رفتن بخشی از خون مسلمان است و اینکه دیه مغلظه متعلق به اولیای دم و حق آنهاست و فرقی بین پرداخت کنندگان نیست و در هر حال باید پرداخت شود حتی اگر حکمت تغلیظ دیه هتک حرمت باشد. ثابت شد دلیل معتبری وجود ندارد تغلیظ دیه صرفاً به جهت تشدید مجازات باشد به گونه ای که موجب تخصیص اطلاق ادله گردد چون از متن روایات جنبه تشدید بودن تغلیظ دیه مستفاد نمی‌شود زیرا روایاتی وجود دارد که

حکم تغلیظ را در قتل خطایی پذیرفته بود در این صورت جنبه‌ی تشدید مجازات بودن تغلیظ، ضعیف می‌شود چون فرد مرتکب جرم در قتل خطایی انگیزه‌ای برای ارتکاب جرم ندارد تا ما بخواهیم مجازات او را تشدید کنیم که خوشبختانه در قانون جدید مجازات اسلامی اصلاح شد.

منابع

۱. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۶۵). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۰، تهران، انتشارات دارالاحیاء، چاپ سوم.
۲. ره پیک، حسن؛ (۱۳۹۲). **حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها** (ویرایش جدید)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ بیست و یکم.
۳. شیروانی، علی، (۱۳۹۱). **ترجمه و تبیین شرح لمعه**، ج ۱۱، تهران، موسسه انتشارات دارالعلم.
۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، (۱۳۶۰). **الخلافا فی الاحکام**، ج ۲، تهران، انتشارات تابان، چاپ اول.
۵. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۶. فروزش، روح ا...، (۱۳۸۸). **مجموعه نظریات مشورتی**، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۷. موسوی خمینی، روح ا...؛ (۱۳۹۰). **تحریر الوسیله (شرح و ترجمه)**، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، تهران، موسسه انتشارات دارالعلم، چاپ سوم.
۸. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۸). **جرایم علیه اشخاص**، تهران، انتشارات میزان، چاپ یازدهم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی